

تنش‌های کهن و سلاح‌های نوین



سید محمد کاظم سجادیور تحلیلگر مسائل بین‌الملل

روابط بین‌المللی امروز، شاید یکی از پیچیده‌ترین‌ها در نوع خود در تاریخ پرنشیب و فراز جهان باشد. با محوریت قدرت و ثروت، جوامع بشری در طی قرون و اعصار با یکدیگر تعامل داشته‌اند و به منظومه روابط بین‌المللی شکل داده‌اند. در این منظومه، سه سیاره محوری وجود داشته و دارد؛ «کنشگرآنکه هرکدام بخشی از قدرت و ثروت را دارا می‌باشند»، «ماهیت کنش‌هایبین‌انها» و «محیط کنشگری آنها». در ماهیت کنشگری بین آنها، دو پدیده حضور دائمی دارند: صلح که در برگزیده کنش‌های دوستانه است و جنگ که کنش‌های خصمانه را در بر می‌گیرد. این دو پدیده پایدار ولی کیفیت آنها در زمانه‌های مختلف، با یکدیگر متفاوت بوده‌است. زمانی جنگ‌ها، باسرنیزه و سپر شکل می‌گرفته‌اند و جنگ رودرو، سربازان دو کنشگر متخاصم، با ابزارهای ساده یکدیگر را می‌کشته‌اند و البته امروز ماهیت جنگ‌ها دگرگون شده و در چگونگی جنگ‌ها، دگردیسی رخ داده است. دگردیسی در جنگ‌ها در مناسبات بین‌المللی را چگونه می‌توان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد؟ در پاسخ سه موضوع مرتبط با یکدیگر را باید مورد مذاقه قرار داد: «تداوم و پایداری عنصر نظامی»، «ترکیبی شدن جنگ‌ها» و «تسلیم‌جانی شدن همه‌پدیده‌ها». بی‌تردید، عنصر نظامی جنگ‌ها همچنان پایدار و اثرگذار است افزایش بودجه‌های نظامی و سعی در به‌روز کردن توان نظامی توسط کنشگران روابط بین‌المللی شاهدی بر این مدعاست. اما آنچه که در عرصه نظامی دگرگون شده، فن‌آوری نظامی است و جالب آنکه فن‌آوری نظامی، گسترده شده و دارندگان آن، از حالت انحصاری خارج شده‌اند. دارندگان فن‌آوری نظامی، متعدد و متنکثر گردیده‌اند، اما نوع و کیفیت تکنولوژی نظامی است که تعیین‌کننده شده است. البته این همه ماجرا نیست، جنگ‌های معاصر، جنگ‌های ترکیبی‌اند. بدین‌معنی که عنصر نظامی با عناصر دیگر ترکیب شده‌اند. عناصر دیگر، نه‌به‌عنوان پیوست عنصر نظامی، بلکه هم‌تراز و هم‌سنگ عنصر نظامی، تعیین‌کننده شده‌اند. در این خصوص باید گفت که واژگان جدیدی، به مجموعه ادبیات استراتژیک افزوده شده که همگی ترکیبی بودن جنگ‌ها را به تصویر می‌کشند و ناگفته پیداست که بین آن واژگان، ظرافت‌ها و دقایق قابل توجهی وجود دارد، در این عرصه می‌توان به واژگانی چون جنگ هیبریدی، جنگ در مناطق خاکستری، جنگ نامتقارن، جنگ نامحدود و جنگ غیرخیزه بودن جنگ‌های صرب‌خوار و واژگان و در حقیقت خارجی آن، عنصر نظامی با سایر عناصر حضور داشته و با الیاز و مخلوطی خاص از آن دو، با هدف بی‌ثبات‌سازی نظام‌های سیاسی به‌کار گرفته می‌شوند. دلایل گوناگونی برای این ترکیب وجود دارد، یکی از آنها پرهزینه بودن جنگ‌های صرفاً نظامی است. هزینه‌مند بودن آنها هم و چه اقتصادی و هم و چه اجتماعی و سیاسی دارد. جنگ‌های تمام عیار بسیار پرهزینه‌اند. مدیریت عملی آنها مشکل است و در عرصه داخلی، حکومت‌ها را با مشکلات روبرو می‌کند. در جنگ‌های نوین ترکیبی همه چیز به‌کار گرفته می‌شوند: تحریم‌ها، شبکه‌های مجازی، اخبار نادرست، شبکه خرید نفوذ در کشورهای رقیب، استفاده از شبکه‌های مجرمین و جنایتکاران، جاسوسی و خرابکاری از زمره عناصری هستند که در جنگ‌های نوین به‌صورت هم‌زمان و بعضی‌به‌صورت هم‌سنگ به‌کار گرفته می‌شوند. معنای این روند آن است که پدیده‌های گوناگون، به‌عنوان اسلحه به‌کار گرفته شده و اصطلاحاتسلیحاتی می‌شوند. عنوان کتاب مارک گالوتی، انعکاسی از این پدیده است. عنوان کتاب او که در سال ۲۰۲۲ منتشر شد «تسلیم‌جانی شدن جنگ‌ها» است. او از این جنگ‌ها، به‌عنوان موج جدید جنگ یاد می‌کند و توضیح می‌دهد که در جنگ‌های مدرن، چیزی نیست که به عنوان اسلحه استفاده نشود. آنچه در تسلیم‌جانی‌شدن همه‌پدیده‌ها در جنگ‌های معاصر جلب‌توجه می‌کند، به‌هم‌ریختن اعصاب و تعادل روانی کنشگران است. شاید، به‌تعبیری، جنگ‌های روانی عمیق و گسترده‌تر از قبل شده‌اند. مخصوصا با ورود فضای مجازی در دو دهه گذشته به زندگی کنتر جهان و به‌هم‌پیوستگی همه‌جانبه در سراسرگیتی، امکان استفاده از هر پدیده‌ای به عنوان اسلحه و ابزار کنش خصمانه فراهم آورده است. نتیجه دگرگونی‌ها و دگردیسی‌ها در جنگ، شاید نوعی بی‌ثباتی پایدار در روابط بین‌المللی باشد. این پدیده تا حدودی جهانی است اما کمتر جایی مانند خاورمیانه و غرب آسیاست که بی‌ثباتی‌های چندلایه همراه با جنگ‌ها به‌ترکیبی، شرایط کاملاً متفاوتی با گذشته را به وجود آورده است. هرچه هست، اگرچه جنگ و کنش خصمانه و حضوری تاریخی در زندگی بشری دارد، اما ماهیت و چگونگی جنگ‌ها، با امکان تسلیم‌جانی شدن همه پدیده‌ها، دچار دگردیسی شده‌اند. در این خصوص باید گفت که واژگان جدیدی، به مجموعه ادبیات استراتژیک افزوده شده که همگی ترکیبی بودن جنگ‌ها را به تصویر می‌کشند و ناگفته پیداست که بین آن واژگان، ظرافت‌ها و دقایق قابل توجهی وجود دارد. در این عرصه می‌توان به واژگانی چون جنگ هیبریدی، جنگ در مناطق خاکستری، جنگ نامتقارن، جنگ نامحدود و جنگ غیرخطی اشاره کرد. در همه این واژگان و در تحقق خارجی آن، عنصر نظامی با سایر عناصر حضور داشته و با الیاز و مخلوطی خاص از آن دو، با هدف بی‌ثبات‌سازی نظام‌های سیاسی به‌کار گرفته می‌شوند. دلایل گوناگونی برای این ترکیب وجود دارد، یکی از آنها پرهزینه بودن جنگ‌های صرفاً نظامی است. هزینه‌مند بودن آنها هم و چه اقتصادی و هم‌وچه اجتماعی و سیاسی دارد. جنگ‌های تمام عیار بسیار پرهزینه‌اند. مدیریت عملی آنها مشکل است و در عرصه داخلی، حکومت‌ها را با مشکلات روبرو می‌کند. در جنگ‌های نوین ترکیبی همه چیز به‌کار گرفته می‌شوند: تحریم‌ها، شبکه‌های مجازی، اخبار نادرست، شبکه خرید نفوذ در کشورهای رقیب، استفاده از شبکه‌های مجرمین و جنایتکاران، جاسوسی و خرابکاری از زمره عناصری هستند که در جنگ‌های نوین به‌صورت هم‌زمان و بعضی‌به‌صورت هم‌سنگ به‌کار گرفته می‌شوند. معنای این روند آن است که پدیده‌های گوناگون، به‌عنوان اسلحه به‌کار گرفته شده و اصطلاحاتسلیحاتی می‌شوند. این پدیده تا حدودی جهانی است اما کمتر جایی مانند خاورمیانه و غرب آسیاست که بی‌ثباتی‌های چندلایه همراه با جنگ‌های ترکیبی، شرایط کاملاً متفاوتی با گذشته را به وجود آورده است. هرچه هست، اگرچه جنگ و کنش خصمانه و حضوری تاریخی در زندگی بشری دارد، اما ماهیت و چگونگی جنگ‌ها، با امکان تسلیم‌جانی شدن همه پدیده‌ها، دچار دگردیسی شده‌اند.

محسن جلیلودر در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

نقش مردم در آینده حاکمیت سوریه



سقوط بشار اسد نوعی تسویه حساب با ایران بود

بشار اسد تلاشی برای تغییر نکرد و در نهایت سقوط کرد

آرمان ملی- احسان انصاری: حکومت خاندان اسد پس از ۵۵ سال حکومت در سوریه یکشنبه ۱۸آذر به پایان رسید و گفته می‌شود که بشار اسد سوریه را ترک کرده است. این در حالی است که محمد غازی الجلالی نخست‌وزیر سابق سوریه اعلام کرد آماده هرگونه اقدام برای انتقال قدرت و تسلیم هستم. او گفت که آماده است با هر رهبری که مردم سوریه انتخاب کنند، همکاری کند. الجلالی افزود: «امیدوارم که همه مردم سوریه، با عقلانیت درخصوص منافع کشورشان فکر کنند، دستمان را به سوی هر شهروند سوری که به حفظ توانایی‌های کشورش علاقه‌مانه با دکتر محسن جلیلودر تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو دولتی خسارت و آسیبی نزنند،» از سوی دیگر ابو محمد الجولانی،

مهم‌ترین دلایل سقوط دولت بشار اسد آن هم در زمانی کوتاه را چه می‌دانید؟

هانا آرنت جمله معروفی دارد که می‌گوید «در حکومت‌های دیکتاتوری همه چیز تا یک ربع قبل آرام است، اما به یک باره همه چیز تغییر می‌کند.» به نظر می‌رسد این وضعیت درباره بشار اسد وجود دارد، هرچند نمی‌توان وی را یک دیکتاتور نامید. در واقع ساختارهای سیاسی امثال دولت بشار اسد استحکام کافی ندارند و به شکلی نیستند که بتوانند به صورت خودبنیاد حکومت کرده و از خود محافظت کنند. ماکیاولی در کتاب شهریار عنوان می‌کند قدرت در حکومت عثمانی را که از اسنان‌هایی به نام سنجاق تشکیل شده، به سختی می‌توان به دست گرفت اما زمانی که قدرت را در اختیار گرفتید نگه داشتن آن کار راحتی است. این در حالی است که در اختیار گرفتن قدرت در فرانسه کار راحتی است اما نگه داشتن آن سخت است. تاریخ نیز به خوبی این مسأله را نشان داد. بیسمارک و هیتلر و تغییر نکرده سوریه که در زمانی که عثمانی اشغال شد این کشور به ۲۵ کشور کوچک‌تر تقسیم شد. این وضعیت به خوبی نشان می‌دهد که ساختارهای خودبنیاد برای حفظ قدرت در یک کشور از اهمیت زیادی برخوردار است. در سال ۲۰۱۱ که بحران در سوریه آغاز شد گروه‌هایی مانند داعش، جبهه النصرة و تحریرالاشام نبودند، بلکه ارتش آزادی‌بخش سوریه بود که با کشتن چند نوجوان ایجاد رعب و وحشت کرد و پس از مدتی نیز راه به جایی نبرد. در همان زمان نیز شخصیت معتبری مانند برهان غلیان را به عنوان رئیس شورای مخالفان بشار اسد انتخاب کردند که با وی مذاکره کند. این در حالی بود که بشار اسد این مذاکرات را طولانی کرد. نکته دیگر اینکه بشار اسد و پدرش حافظ اسد از ۱۹۷۰ به بعد بر سوریه حکومت کردند. در همه این سال‌ها حافظ و بعد هم بشار اسد که از علوی‌ها بودند بر جمعیت سنی غیر علوی حکومت کردند. در این مدت نیز همه سمت‌های سیاسی و اقتصادی را در اختیار اقلیت علوی قرار داشته است. به همین دلیل طبیعی بود که پس از مدتی اکثریت مخالف در برابر اقلیت صاحب قدرت اعتراض خواهد کرد و در مقابل آن خواهد ایستاد.

بشار اسد در بهار عربی مقاومت زیادی برای تغییر حکومت انجام داد، اما در روزهای اخیر به راحتی قدرت را واگذار کرد. چرا چنین اتفاقی رخ داد؟

بشار اسد در بهار عربی این فرصت را داشت که با اعمال تغییرات و جلب رضایت جامعه شرایط را تغییر بدهد، اما به دلایل مختلفی این کار را نکرد و در نهایت کار به این نقطه رسید. نکته دیگر نقش عوامل خارجی در سقوط دولت بشار اسد است. بعد از ۷ اکتبر سال گذشته، نتانیاها در تلویزیون عنوان کرد که از این پس یک خاورمیانه جدید



سرکرده هیات تحریرالاشام، اعلام کرد که «محمد غازی الجلالی» تا زمانی که به شکل رسمی قدرت را منتقل کند، مدیریت سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها را در دست خواهد داشت. این در حالی است که گروه تحریرالاشام از محورهای مختلف وارد دمشق هرگونه اقدام برای بدون هیچ مقاومتی تمامی شهر را به کنترل خود درآوردند. آنها همچنین بدون هیچ‌گونه مقاومتی، کنترل فرودگاه دمشق و ساختمان رادیو و تلویزیون سوریه را نیز به دست گرفتند. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی مهم‌ترین پیامدهای سقوط دولت بشار اسد برای ایران و منطقه خاورمیانه با دکتر محسن جلیلودر تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده که در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

که ایران را وارد بازی کنند که طراحی کرده بودند تا فرصت تسویه حساب پیدا کنند. تا امروز ایران نشان داده که از درایت و هوشمندی برخوردار است و به آسانی وارد بازی دیگران نمی‌شود. از سوی دیگر روسیه نیز درگیر جنگ اوکراین است و اهل معامله است. این احتمال وجود دارد که روس‌ها در اوکراین با آمریکا معامله کنند که از این طرف سوریه را رها کند. به هر حال روسیه همواره دنبال منافع ملی خود بوده و از سوی دیگر نیز مرزهای روسیه با اروپا برای آنها اهمیت بیشتری را مرزهای خود با خاورمیانه دارد. اگر این نگاه را بپذیریم دلیل عدم حمایت روسیه از بشار اسد روشن می‌شود. واقعیت این است که شرایط منطقه برای ایران بسیار خطیر بوده که با سقوط بشار اسد شرایط خاصی پیدا کرده است. اینجا حتی می‌توان از واژه خطرناک هم استفاده کرد. استفاده از این واژه بدون دلیل نیست و معتقدم وضعیت واقعا چنین است. اسرائیل طی یک سال با جبهه مقاومت درگیر بوده و این دگربری هنوز ادامه دارد. درایت مسئولان در این است که وقتی هزینه فایده می‌کنند، به این نتیجه می‌رسند که احتمال اینکه بخواهند پای جمهوری اسلامی را به ماجرا باز کنند زیاد است. نکته مهم اینکه امروز دیگر مانند سال ۲۰۱۱ نیست و ایران در عین حالی که با چالش‌های بین‌المللی مواجه است در زمینه داخلی نیز با مشکلات خاص خود روبرو است. در نتیجه از نظر داخلی نیز ایران در وضعیتی قرار ندارد که وارد یک چالش بین‌المللی شود.

ایران و روسیه در سال‌های اخیر همواره از دولت بشار اسد حمایت کرده‌اند. این در حالی است که در شرایط کنونی و در حالی که دولت اسد در حال سقوط بود این اتفاق رخ نداد. دلیل این موضوع چه بود؟

ایران در ماه‌های اخیر درگیر مسائل مختلفی بوده است. لبنان که یکی از هسته‌های کلیدی جبهه مقاومت بود جدا شده است. از سوی دیگر وضعیت حماس نیز چدان رضایت بخش نیست. این در حالی است که ترامپ نیز در هفته‌های آینده به صورت رسمی کار خود را به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا آغاز خواهد کرد که چالش‌های خاص خود را دارد. در واقع قدرت‌های خارجی دنبال این بودند که برای من سخت است که عنوان کنم پس از بشار اسد یک دولت رادیکال اسلام‌گرا روی کار خواهد آمد. این توافقی است که باید بین کشورهای درگیر در موضوع سوریه صورت بگیرد که به نوع حکومتی در سوریه شکل خواهد گرفت. ایران نیز در این زمینه نقش خود را ایفا خواهد کرد. در شرایط کنونی ترکیه دست بالا را در این زمینه گرفته است. واقعیت این است که ایجاد بحران نیز با هماهنگی‌های ترکیه، اسرائیل و آمریکا بوده و این سه کشور تصمیم گرفته‌اند چنین بحرانی در کشور سوریه به وجود بیاید. به نظر نمی‌رسد که یک دولت رادیکال اسلام‌گرا در سوریه سر کار بیاید. سوریه مانند افغانستان نیست و شرایط دو کشور با هم متفاوت است. به همین دلیل من فکر می‌کنم رادیکالیسم در سوریه جواب نمی‌دهد آنچنان که در لیبی نیز این اتفاق رخ نداد و به‌رغم اینکه برخی فکر می‌کردند با سقوط قذافی یک دولت رادیکال اسلام‌گرا در آنجا شکل خواهد گرفت اما سکولارها نقش مهم‌تری در حکومت لیبی پیدا کرده‌اند.

قبلاً با جریانی مثل داعش روبرو بودیم که می‌خواست از بین ببرد. او در مورد حمله به سفارت ایران در سوریه عنوان کرد: من پیش‌بینی می‌کردم که در جریان این تحولات با سه گروه روبرو باشیم؛ یک گروه اغتشاش‌گر که دنبال تخریب و غارت هستند و گروه دوم جریان امنیتی است که به دنبال ایجاد ناامنی است و به نوعی به رژیم ملی ایران عین عنوان کرد: ما تدابیر لازم را برای انتقال اسناد و دیپلمات‌های خود کرده‌ بوده‌ایم، چند نفر از دیپلمات‌های ما در سفارت مستقر بودند که هنگام نماز صبح امروز خارج شدند. سفیر ایران در سوریه در پاسخ به این سوال که برخی معتقدند ممکن است که سوریه نیز با سرنوشتی چون لیبی روبرو شود و یا این که دچار تجزیه شود، گفت: در هر کشوری که بخواهد تجزیه انجام شود باید زمینه آن وجود داشته باشد، به نظر من موضوع خیلی در مورد سوریه محتمل نیست.

بشار اسد در بهار عربی این فرصت را داشت که با اعمال تغییرات و جلب رضایت جامعه شرایط را تغییر بدهد، اما به دلایل مختلفی این کار را نکرد

تشکیل خواهد شد. آمریکا به دنبال این است که نقشی که در دهه ۱۹۷۰ محمد رضا پهلوی در خاورمیانه بازی می‌کرد و به عنوان ژاندارم منطقه شناخته می‌شد را به شکل دیگری به نتانیاها بدهد. براساس سند امنیت ملی اوپاما به دلیل اینکه دشمن اصلی آمریکا چین است، این کشور باید به سمت شرق آسیا حرکت کند و مدیریت خاورمیانه را به نتانیاها منتقل کند. این اتفاق نیز در ابتدا قرار بود از طریق صلح و طرح ابراهیم صورت بگیرد اما حالاً این اتفاق با جنگ در حال رخ دادن است. در ماه‌های اخیر حزب... و حماس تحت فشار قرار گرفتند و در شرایط کنونی نیز دولت بشار اسد سقوط کرد. به نظر می‌رسد که بشار اسد باید به شکل دیگری عمل می‌کرد که در واقع چنین اتفاقی رخ نداد. در ماه‌های اخیر کشورهای عربی وی را به اتحادیه عرب دعوت کردند و پیشنهادهایی به وی دادند که وی در نهایت آنها را نپذیرفت. به صورت طبیعی هنگامی که تلاشی برای تغییر وجود نداشته باشد احتمال سقوط دولت وجود دارد.

ایران و روسیه در سال‌های اخیر همواره از دولت بشار اسد حمایت کرده‌اند. این در حالی است که در شرایط کنونی و در حالی که دولت اسد در حال سقوط بود این اتفاق رخ نداد. دلیل این موضوع چه بود؟

براساس سند امنیت ملی اوپاما به دلیل اینکه دشمن اصلی آمریکا چین است، این کشور باید به سمت شرق آسیا حرکت کند و مدیریت خاورمیانه را به نتانیاها منتقل کند

روایت سفیر ایران از نحوه سقوط دمشق

یک از همکاران ما از دستگاه‌های مختلف جمهوری اسلامی در آنجا حضور نداشتند و اقدامات و تدابیر لازم پیش‌بینی شده بود. اکبری با بیان اینکه «در راستای تدابیر اندیشیده شده بخشی از امکاناتمان را از سفارت خارج کرده بودیم و خوشبختانه فردی از دیپلمات‌ها و کارکنان محلی مان آسیب ندید»، خاطرنشان کرد: برخی از وسایل و امکانات در سفارت باقی مانده بود که در اثر تعرضی که انجام شده آسیب دیده‌اند. سفیر ایران در سوریه بیان کرد: این تعرض خلاف قوانین بین‌المللی است و کسانی که به نوعی در سوریه حرکت خود را از ۲ هفته پیش آغاز کردند و بخش‌های مختلف این کشور را تصرف کردند، باید پیش‌بینی‌های لازم را در مورد این مسائل

جنگ، فشار یا توافق؟

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکادر اولین دوره ریاست جمهوری‌اش در ارتباط با ایران تقریباً از تمام خطوط قرمز قابل تصور عبور کرد. نیویورک تایمز مدعی شد: او در ماه مه ۲۰۱۸، به‌رغم درخواست‌های ناامیدانه متجدانش، ایالات متحده را از برنامه جامع اقدام مشترک – توافق تاریخی دوران اوپاما که برای محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران طراحی شده بود– خارج کرد. ترامپ در ژانویه ۲۰۲۰ فرمان ترور فرمانده ارشد سپاه (شهید) قاسم سلیمانی را صادر کرد؛ فرمانی وقیحانه که ایالات متحده را در آستانه رویارویی فاجعه بار در خاورمیانه قرار داد. رئیس‌جمهوری آمریکا در دو سال آخر دوره ریاستش، به عنوان بخشی از کمپین فشار حداکثری بیش از ۱۵۰۰ تحریم علیه ایران با هدف نابودی اقتصاد این کشور اعمال کرد. از همین رو می‌توان گفت که رئیس‌جمهوری آمریکا در ارتباط با ایران به شکلی بی‌سابقه از رویکردی پرهزینه و خطرناکی پیروی کرد.

چک سفید به نتانیاهاو

نیویورک تایمز در ادامه یادداشت ادعایی‌اش آورد. امروز دلایل زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد دوره دوم ریاست ترامپ در عرصه داخلی و بین‌المللی می‌تواند پرهزینه‌تر باشد و میدان را برای مانور شاهین‌ها هموارتر کند. بیت‌هگرتز، انتخاب رئیس‌جمهوری برای تصدی عنوان وزیر دفاع، چهره‌ای ضد ایرانی است و از ترامپ خواسته تا نهادها و اماکن اقتصادی و فرهنگی ایران را بمباران کند. مارکو ربویو، نامزد احتمالی ترامپ برای تصدی پست وزارت امور خارجه، لحن ملایم‌تری را اتخاذ کرده، اما کم‌اکنان بر رویکرد سخت تأکید دارد. ربویو مدعی است که دولت بایدن با مقامات ایرانی مانند «دیپلمات‌های بلژیکی در سازمان ملل» شده است و بخیر ااد کرده که «تنها» راه مقابله با تهران «توسل به گزینه سخت» است. در واقع، تصور اینکه ایالات متحده بعد از فشارهای همه‌جانبه‌اعمالی علیه تهران، چه گزینه‌های دیگری در اختیار دارد، دشوار است. در این میان بنیامین نتانیاهاو، نخست‌وزیر اسرائیل و دوست خوب ترامپ، ظاهراً قصد دارد به تنش‌ها با تهران دامن زده و زمینه‌رایی رویارویی هموار کند. اکنون برخی از ناظران در خاورمیانه نگران هستند که تحت ریاست دولت دوم ترامپ، تنش‌های منطقه از کنترل خارج شده و به جنگ همه‌جانبه تبدیل شود. همان‌طور که لئون پانتا، رئیس سابق سیا اخیراً مدعی شده است: «تصور می‌شود اواسط اکتبر چک سفید به آقای نتانیاها خواهد داد.»

دو گزینه پرهزینه

به ادعای نیویورک تایمز، به نظر می‌رسد دولت آینده ترامپ با سه انتخاب روبرو خواهد بود: نخست، ایران را نادیده بگیرد، یا این کشور وارد جنگ شود یا دیپلماسی را امتحان کند. به ادعای این نشریه نادیده گرفتن ایران هرگز کارساز نبوده است. رهبران انقلابی و ضد امریکایی تهران در ناخوشایندترین لحظات برای روسای جمهور آمریکا خود را یادآوری می‌کنند. در همین زمینه می‌توان به بحران گروگانگیری اشاره کرد، رخدادی که برای کارتر بسیار پرهزینه بود. در سال‌های پس از ۲۰۰۲، متحدان ایران، پیروزی جورج دبلیو بوش در عراق را به باکوسی برای سربازان آمریکایی تبدیل کردند. اخیراً، در سال ۲۰۲۱، بایدن پس از شکست تلاش‌های اولیه‌اش برای احیای مذاکرات هسته‌ای، برای هاشویه راندن تهران خیز برداشت، اما از آشنی ایران به عربستان با میناجی‌گری چین غافلگیر و جایگاه آمریکا در خاورمیانه تضعیف شد. با توجه به اینکه ترامپ تا حد زیادی انزوایطلب است و بخش عمده‌ای از شهرت خود را مدیون شعار پایان دادن به جنگ‌ها در خاورمیانه است؛ شاید نخواهد اعتبارش را به خطر بیندازد. از همین‌رو سخت است که تصور کنیم او با قرار گرفتن چکمه‌های سربازان آمریکایی بر زمین موافقت کند. همین‌گزاره‌ها باعث می‌شود که دیپلماسی بهترین گزینه برای آقای ترامپ باشد. وسوسه‌انگیزترین اقدام او یافتن راهی برای پایان دادن به جنگ اسرائیل با حماس، گرفتن اعتبار حاصل از آن و سپس چرخش به سمت توافق مهم با ایران است که به او امکان می‌دهد، ادعا کند که صلح جامع آمریکایی را در خاورمیانه به ارمغان آورده است. به نظر می‌رسد مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری میانه‌روی این کشور مشتاق کاستن از فشارها و تنش‌هاست. بااین‌همه به ادعای نیویورک تایمز اگر کشوری باشد که آمریکا در چهار سال آینده بتواند رویارویش قرار بگیرد، آن کشور ایران خواهد بود. در این میان شایان ذکر است که ترامپ همان رئیس‌جمهوری است که زمانی از جان بولتون، مشاور امنیت ملی خود به عنوان «جنگجو» انتقاد کرد. هرچند باید گفت که رویکرد ترامپ رویکردی غیر قابل پیش‌بینی است. ما ماه گذشته طعم گفتمان جدید، زمانی که به‌رغم اینکه نگاهش بود اسرائیل باید به تأسیسات هسته‌ای ایران ضربه بزند، مدعی شد «به دنبال آسیب رساندن به ایران نیست.» او افزود: «دوست دارم آنها کشوری بسیار موفق باشند. تصور اینکه دونالد ترامپ میزان نشست صلح با ایران در دوره دوم ریاست جمهوری خود باشد، دور از ذهن است – و حتی اینکه تهران چنین خواسته‌ای را بپذیرد نیز بعید به نظر می‌رسد. اما تصور دنبانی که در آن بتوان از گفت‌وگو اجتناب کرد، سخت‌تر است. با توجه به انتخاب‌های محدود و غیرقابل تصور ترامپ می‌تواند او در عصر تازه ریاستش تلاش کند تا نمایشنامه آمریکا و ایران را به نتیجه نهایى خود برساند.